



# اسوه‌پذیری و تشبیه‌ها در قرآن

## از منظر قرآن کریم

مهدی سلطانی رثانی

فصلنامه قرآنی نور، شماره ۱۵

❁ مقدمه:

پروردگار جهانیان و نازل کننده قرآن جاویدان در آخرین نامهٔ انسان سازی خود برای بشر، شیوه‌های مختلفی برای تربیت و تزکیه انسان ارائه می‌فرماید؛ روش‌هایی که هر کدام تأثیری خاص بر روح و روان و منش انسان می‌گذارد؛ روش‌هایی چون بشارت به نعمت‌های جاویدان، بیم‌دهی از عذاب همیشگی، بیان سرگذشت گذشتگان، داستان پیامبران، استفاده از تمثیل، بهره‌گیری از قسم و سوگند و... در این رویش و زایش، در نهاد خود همواره رو به سوی کمال دارد و با اشتباهی سیری ناپذیر در تکاپوی صعود به مدارج کمال، تعالی و ترقی است؛ تکاملی که عبارت است از تغییراتی تدریجی در مسیر شکوفایی و به فعلیت رسانی استعدادهای فطری، که به وسیلهٔ نیروهای به ودیعت نهاده شده در سرشت کمال‌گرای که با استفاده از شرایط و امکانات خارجی انجام می‌شود. (۱) در راستای عروج به قله‌های رفیع ترقی و کمال، یکی از کاراترین نیروهای فطری انسان میل به تقلید و اسوه‌پذیری است و این میل به عنوان یک احساس درونی، او را وادار می‌نماید تا جهت رسیدن هر چه سریعتر به کمال مطلوب، روش و سیرهٔ تکامل‌یافتگان را الگوی خویش سازد و تلاشی هدف‌دار و آگاهانه برای ایجاد هماهنگی و انسجام رفتاری با آن الگوهای مورد نظر در پیش گیرد. (۲) قابل ذکر است که یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی قرآن که به کرات مورد توجه قرار گرفته همین روش است، که با تعیین الگوهای صحیح و

(۱) ر.ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ خودشناسی برای خودسازی، صفحه ۱۱-۱۳

(۲) ر.ک: همان و همچنین مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر، صفحه ۶۸-۶۷

تأکید بر پیروی از ایشان و همچنین با رسوا کردن الگوهای ناصحیح و درهم کوبیدن بت‌های فکری و فرهنگی صورت می‌پذیرد و رسالت مادر این نوشتار و مقاله تحقیقی، بیان نمونه‌هایی از آن روش با توضیح کامل و مستدل است و قبل از آن انواع اسوه‌پذیری، آفات اسوه‌پذیری و روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری تبیین می‌شود.

### ❁ انواع اسوه‌پذیری و مورد مطلوب آن از دیدگاه قرآن

مطابق نظر گروهی از روان‌شناسان، الگوپذیری - به معنای عام آن - بر ۳ قسم است: محاکات، تقلید بالمعنی الاخص و اقتباس.

(۱) **محاکات**: تقلید نا آگاهانه و عاری از هر گونه اندیشه و تشخیص را گویند؛ مانند کودک چند ماه‌های که در پی خنده اطرافیان، بی‌درنگ می‌خندد.

(۲) **تقلید بالمعنی الاخص**: این نوع تقلید که آن را تقلید بچه‌گانه هم می‌گویند، عبارت است از الگو برداری نیمه آگاهانه از رفتار دیگران.

در این نوع تقلید عنصر آگاهی و هدف‌داری حضور دارد اما حضوری کم‌رنگ و اندک؛ مانند طفل سه‌ساله‌ای که تنها برای شبیه‌سازی خود به اطرافیان از اعمال ایشان تقلید می‌نماید، بدون آنکه قصد و هدف آن اعمال را درک کند.

(۳) **اقتباس**: این قسم عالی‌ترین مرتبه الگوپذیری و تقلید می‌باشد که عبارت است از تکرار عمل دیگری با آگاهی کافی از حسن کار او.

این نوع اسوه‌پذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی علم و قصد می‌باشد؛ همانند نوجوان یا جوانی که از میان رفتارهای اطرافیان، آن را که بهتر می‌یابد برمی‌گزیند و برای این‌گزینش دلیلی هم اقامه می‌کند.

سر و کار مادر بحث اسوه‌پذیری در قرآن، با این نوع است.

در عرصه اسوه‌پذیری، آنچه مطلوب و ارزشمند است، الگوپذیری کاملاً آگاهانه، هدف‌دار و از روی معرفت کامل می‌باشد، ولی لحاظ این دو عنصر در الگوپذیری‌ها متفاوت است. (۳)

### ❁ آفات اسوه‌پذیری از منظر قرآن کریم:

اسوه‌پذیری، گرچه از اهمیت بس‌شگرفی برخوردار است، اما همچون هر امر مثبت دیگری می‌تواند دستخوش آفت شده، زمینه خسارت‌های عظیمی را فراهم آورد. از این روی مهم‌ترین این آفات را برمی‌شمریم.

#### (۱) الگوپذیری مطلق از آبا و اجداد:

نخستین الگوهای آدمی، پدر و مادرند. کودک، والدین خویش را هم از لحاظ



(۳) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۱۱-۲۱۴



قدرت و هم از لحاظ علمی بسیار برتر از خود می‌بیند و به تجربه در می‌یابد که پیروی از پدر و مادر فواید بسیاری برای وی دارد؛ از این روی می‌پندارد همه چیز را باید از پدر و مادر آموخت و در هر زمینه‌ای باید از ایشان پیروی کرد. اگر این خصلت پیروی مطلق و بی‌چون و چرا از آبا و اجداد در سال‌ها و مراحل بعدی و بالاتر زندگی پابرجا بماند و هم چنان تداوم داشته باشد، باید اظهار نمود که شخص هنوز در دوران طفولیت به سر می‌برد و در زمینه‌اسوه‌پذیری دچار آفت عظیم و انحراف وسیع شده است.

قرآن کریم در آیات متعددی از این آفت سخن گفته و کسانی را که دچار آن هستند، سخت مورد مذمت و نکوهش قرار می‌دهد؛ مثلاً «و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا اولوكان ءآباؤهم لا يعلمون شيئا و لا يهتدون» (۴)

و هنگامی که به آنها گفته شود، به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر بیایید، می‌گویند: آنچه از پدران خود یافته ایم ما را بس است. آیا اگر پدران آنها چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند (باز از آنها پیروی می‌کنند)؟!

### ۲) اسوه‌پذیری غیرعاقلانه از باطل :

آفت دیگر این است که شخص برای حفظ رابطه مودت آمیز خود با دیگران یا به قصد ایجاد مناسبات دوستانه با آنان، مقبولاتشان را که خلاف دین، حق و حقیقت است بپذیرا شود؛ یعنی از حق جدا شود تا به خلق پیوندد. حضرت ابراهیم (ع) قوم خویش را به همین جهت مورد نکوهش قرار می‌دهد: «و قال انما اتخذتم من دون الله آوتاناً موده بينكم في الحيوه الدنیا ...» (۵) ... شما غیر از خدا بت‌هایی برای خود انتخاب کرده اید که مایه دوستی و محبت میان شما در زندگی دنیا باشد.

### ۳) اسوه‌پذیری و الگوگیری از اکثریت :

آفت دیگر این است که فرد، اکثریت طرفداران یک رأی و عقیده را دلیل حقانیت آن رأی و عقیده پندارد و آن را بپذیرد. این که پاره‌ای از افراد در هر امری تابع اکثریت می‌شوند ناشی از همین پندار باطل است. موضع قرآن کریم در این مورد چنان واضح است که نیازی به ذکر نمونه نیست. (۶)

### ۴) اسوه‌پذیری و الگوگیری کامل از الگوهای غیر صالح :

اگر وجود یک یا چند خصلت نیکو در الگویی باعث این پندار شود که عقیده و سیره او در همه زمینه‌ها معتبر است، الگوپذیر در لبه‌پرنگاهی خطرناک واقع می‌شود و این خود نیز یک آفت در مسیر اسوه‌پذیری است. متأسفانه این روش،

(۴) سوره مائده (۵) / آیه ۱۰۴

(۵) سوره عنکبوت (۲۹) / آیه ۲۵

(۶) ر. ک : مصباح یزدی، محمد تقی؛

جامی از زلال کوثر، صفحه ۷۱-۶۹

امروزه بسیار رواج یافته است و هر گروهی از افراد غیر صالح که در ظاهر خوب جلوه‌گری نموده و دارای درجات فانی دنیوی است را به عنوان اسوه و الگو، پیروی و تقلید می‌کنند و از این طریق به چیزی اعتقاد می‌یابند. غافل از آنکه قبول برتری مسلم یا نامسلم کسی در زمینه‌های معین، نباید سبب این پندار شود که او در زمینه‌های دیگر نیز شایستگی دارد. (۷)

### ❁ روش‌های اصلاح اسوه‌پذیری

حال که با آفت‌های الگوپذیری آشنا شدیم، لازم است که راه‌حل‌های آن‌ها را نیز بدانیم. این مسأله که حل آن برای یک مصلح اجتماعی از قدر و اهمیت عظیمی برخوردار است با دست به دست هم دادن چند شیوه تربیتی و اصلاحی می‌تواند اصلاح شود.

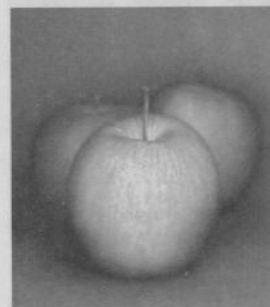
(۱) افزایش معرفت عمومی

(۲) بهره‌گیری از ویژگی‌های روانی، عاطفی و اجتماعی

### ❁ افزایش معرفت عمومی:

اساسی‌ترین و کارسازترین شیوه در اصلاح اسوه‌پذیری این است که قدرت تفکر و تعقل و تأمل مردم را بیشتر نماییم تا این مطلب را عمیقاً بفهمند که کمال آدمی به اموری از قبیل ثروت، دانش، صنعت و اشکال یا اقسام گوناگون قدرت اجتماعی نیست؛ زیرا افزایش قدرت تفکر مردم موجب می‌شود که هم چنین دریابند، پدر و مادر، مرجع تقلید سراسر زندگی فرزندان و همه‌ی وجوه حیات او نیستند و نیز درخواهند یافت که حقیقت را نباید فدای هیچ چیز و هیچ کس کرد و حتی برای ایجاد یا حفظ و تحکیم ارتباطات دوستانه و همزیستی مسالمت‌آمیز نباید از حق دوری نمود و دست برداشت. کثرت طرفداران یک رأی و عقیده نیز دلیل حقانیت آن نخواهد بود. فهم عمیق این مطالب موجب خواهد شد که بسیاری از افراد، گروه‌ها و قشرهایی که الگوهای عقیده و عمل مردم به حساب می‌آیند از کرسی تقلید فروافتند و افراد دیگری که صلاحیت این امر خطیر را دارند متصدی آن شوند.

اگر در روح و ذهن افراد، گرد و غبار آرا، و نظرات فاسد و خیالات باطل فرو نشینند، آن فرد می‌تواند الگوهای راستین را از الگوهای دروغین تمیز دهد. بدین ترتیب الگوهای عقیده و عمل مردم کسانی خواهند شد که باید بشوند، و کسانی خواهند بود که باید باشند و پیداست که اگر الگوهای جامعه، انسان‌هایی ذی صلاح باشند، مردم در راه صواب خواهند افتاد.



(۷) ر. ک: همان؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۲-۲۱۹



### ❁ بهره گیری از ویژگی های روانی، عاطفی و اجتماعی :

افزایش معرفت عمومی هر چند شیوه ای زیربنایی است؛ اما نیازمند زمان و فرصت وسیع، نیروی انسانی عظیم و فعالیتهای جانفرساست. این شیوه مخصوصاً در جامعه هایی که اکثریت افراد آنها معلوماتی ناچیز و نیروی تعقلی ضعیف داشته باشند، با کندی و سختی مضاعف مواجه خواهند شد. از این روی باید از شیوه های دیگر نیز که نتایج آنها سریعتر و سهلتر به بار آید، سود جست. در این شیوه ها از ویژگیهای روانی و اجتماعی مردم؛ مثلاً از مجالس و محافل مذهبی، عرف و عادات، آداب و رسوم، مناسک، احساسات و عواطف آنها در راه اصلاح جامعه استفاده های دقیق و به جا می شود، به عنوان نمونه می توان به بهره گیریهای صحیح و استفاده های دقیق امام خمینی «رضوان الله علیه» از عواطف و احساسات مقدس مردم جهت به ثمر رسانی انقلاب اسلامی اشاره نمود. ایشان با توجه به عواطف درونی مردم و با بهره مندی به جا از خصائص مذهبی، عاطفی و اجتماعی ایشان، ایجادگر تحولی بنیادین در روحیه مردمان و برپا کننده انقلابی بی نظیر در ایران شدند. (۸)

### ❁ اسوه پذیری از منظر قرآن کریم و نمونه های مختلف آن

همانطور که ذکر شد، یکی از مهمترین روشهای تربیتی قرآن کریم، تعیین الگوهای صحیح و تأکید بر پیروی از ایشان و نیز رسوا نمودن اسوه های ناصحیح و در هم کوبیدن بت های فکری و فرهنگی است که به زمینه ها و مواردی از آن اشاره می نمایم:

(۱) معرفی اسوه حسنه: قرآن، پیامبر گرامی اسلام ﷺ را الگوی شایسته و اسوه حسنه مؤمنان راستین معرفی می فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» در پیامبر خدا برای شما؛ برای کسانی که به خدای متعال و روز بازپسین امیدوارند و خدای را بسیار یاد می کنند، الگویی نیکو وجود دارد. (۹)

آنچه در این آیه شریفه و نورانی قابل توجه است، جمله «لمن کان یرجو الله والیوم الآخر و ذکر الله کثیراً» می باشد.

این جمله، بدل از ضمیر خطاب در لکم است، تا دلالت کند بر اینکه اقتدا و تأسی کامل به رسول خدا ﷺ توفیقی است که نصیب هر کسی نمی شود. اسوه پذیری از رسول، صفت حمیده و پسندیده های است که هر مؤمنی بدان متّصف نمی شود، بلکه مؤمنانی به این صفت نیکو نایل می آیند که ایمانی راستین به خداوند و روز



(۸) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، صفحه ۲۲۵-۲۲۲  
(۹) سوره احزاب (۳۳) / آیه ۲۱

قیامت داشته باشند؛ ایمان دارند گانی که دل در گرو عشق به خدا و توجه به او دارند و او را بسیار یاد می‌کنند و در نتیجه این ذکر و توجه مداوم است که تأسی کامل به رسول الله ﷺ صورت می‌پذیرد. (۱۰)

آری! داعیه داران مسلمانی و مؤمنان راستین، آن زمان به مقام رفیع تبعیت و اسوه‌پذیری کامل از اسوه حسنه دست می‌یابند که به خدا و روز جزای اخروی باوری حقیقی داشته باشند. (۱۱)

**۲) اسوه‌دهی از سیرهٔ پیامبران:** خداوند متعال در قرآن کریم از پیامبر رحمت می‌خواهد که در عرصهٔ خطیر ابلاغ رسالت به پیامبران اولوالعزم اقتدا کند و همچون آنها صبر و استقامت پیشه سازد و از شتاب و بی‌صبری بپرهیزد:

«فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل ولا يستعجل لهم...» (۱۲) (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) همچون پیامبران اولوالعزم صبور باش و برای (عذاب) آنان شتاب مکن!

در آیه شریفه دیگری از پیامبر اسلام، که خود اسوه حسنه مؤمنان است، خواسته می‌شود که در پیمودن راه هدایت به پیامبران پیشین اقتدا کند: «اولئك الذين هدى الله فبهداهم اقتده...» (۱۳) آنان کسانی هستند که خداوند متعال هدایتشان کرده است؛ به هدایت ایشان اقتدا کن.

**۳) الگو‌دهی از سیرهٔ ابراهیم و پیروان او:** پروردگار جهانیان در قرآن مجید، ابراهیم (ع) و پیروان راستین او را الگوهای شایسته در عرصه توحیدی (۱۴) و تبیری (۱۵) معرفی می‌فرماید: «قد كانت لكم اسوة حسنة، في ابراهيم والذين معه اذ قالوا لقومهم انا براءؤا منكم و مما تعبدون من دون الله كفرنا بكم و بدا بيننا و بينكم العداوة و البغضاء ابدأ حتى تؤمنوا بالله وحده إلا قول ابراهيم لأبیه لأستغفرن لك...» (۱۶) در ابراهیم و کسانی که با او بودند، برای شما مؤمنان؛ الگویی نیکوست، آن هنگام که به قوم خویش گفتند: ما از شما و از آنچه جز خدا می‌پرستید بیزاریم. میان ما و شما دشمنی و کینه پابر جاست تا آن که به خداوند یگانه ایمان بیاورید؛ مگر در این سخن ابراهیم به پدرش (عمویش) که گفت: حتماً برای تو آمرزش خواهم طلبید... و در آیهٔ دیگری بر اسوه بودن ایشان برای مؤمنان راستین تأکید می‌ورزد: «لقد كان لكم فيهم اسوة حسنة لمن كان يرجو الله و اليوم الآخر...» (۱۷) به راستی در آنان برای شما، برای کسانی که خدای متعال و به روز بازپسین امید دارند، الگویی نیکو وجود دارد.



(۱۰) ر. ک: طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۱۶، صفحه ۳۰۵-۳۰۳

(۱۱) ر. ک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ اخلاق در قرآن، جلد ۱، صفحه ۱۵۶-۱۵۵

(۱۲) سوره احقاف (۴۶) / آیه ۲۵

(۱۳) سوره انعام (۶) / آیه ۹۰

(۱۴) اظهار محبت و ارادت به خداوندگار یگانه، پیامبر و اهل بیت معصومین (علیهم‌السلام) را گویند.

(۱۵) ابراز بیزاری و نفرت از مشرکان، خدایان دروغین و دشمنان پیامبر و اهل بیت معصومین (علیهم‌السلام) را گویند.

(۱۶) سوره ممتحنه (۶۰) / آیه ۴

(۱۷) همان / آیه ۶

۴) تشویق به اسوه پذیری از مؤمنان صالح: خداوند متعال پاداش اقتدا کنندگان به مؤمنان صالح را همتراز خود ایشان معرفی می کند تا ارزش اسوه پذیری صحیح را بیان نماید. (۱۸) در قرآن کریم بیش از یکصد بار سخن از تبعیت و اتباع به میان آمده و این خود نمایان گر نهایت اهمیت و توجهی است که این کتاب انسان ساز برای اسوه پذیری و الگو گیری در عرصه تربیت، تزکیه و هدایت انسان ها قائل است. همچنین به دلیل آنکه اصول مکتب و خط مشی اعتقادی - اخلاقی پیامبران و مؤمنان صالح مشترک است و محدود به زمان و مکان خاصی نمی شود، برای همه پویندگان راه هدایت، اقتدا به سیره صالحان گذشته را ضروری می شمرد. (۱۹)

۵) الگو سازی در قالب داستان و تمثیل: هدف مهم بسیاری از داستانها و تمثیلهای قرآنی الگو سازی از سیره پیامبران و مؤمنان راستین و عبرت دهی از فرجام پیشوایان کفر و گمراهی بدکاران عالم است: «لقد کان فی قصصهم عبرة لأولی الألباب» (۲۰) به راستی که در بیان داستان ایشان، برای صاحبان اندیشه، عبرت کامل خواهد بود. برای نمونه، خداوند متعال در آیاتی آسیه همسر فرعون و مریم دختر عمران را مثال می زند و ایشان را اسوه تمام مؤمنان جهان، اعم از زن و مرد، معرفی می فرماید: «و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرأت فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة - و نجتی من فرعون و عمله و نجتی من القوم الظالمین» (۲۱) و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست) و عرض کرد: بارالها! (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه ایی در بهشت برای من بنا کن و مرا از شر فرعون کافر و کردارش و از قوم ستمکار، نجات ببخش و نیز مریم دختر عمران را که عفاف و پاکدامنی ورزید ...

در این دو آیه خداوند متعال با استفاده از شیوه تمثیل به معرفی دو الگوی شایسته می پردازد: آسیه و مریم؛ گویا خداوند متعال خطاب به همه ایمان آورندگان می فرماید: اگر می خواهید به الگویی، تأسی و اقتدا نمایید، به سیره رفتاری این دو زن بنگرید. از وسعت نظر و بلند همتی همسر فرعون سرمشق بگیرید که با وجود فراهم بودن همه امکانات مادی و دنیوی در قصر فرعون، به این دنیای زود گذر فانی و لذت اند آنی آن به دیده تحقیر نگریست و از خداوند، ملک متعالی و نجات از شر ستمکاران یاضی را طلبید. همچنین به چیزی فرو تر از مقام قرب و رضوان الهی رضایت نداد.



۱۸) سوره توبه (۹) آیه ۱۰۰: همچنین جهت مطالعه و فهم این موضوع رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامی از زلال کوثر صفحه ۸۰-۷۴  
 ۱۹) رک: مصباح یزدی، محمد تقی؛ جامعه و تاریخ از دیدگان قرآن، صفحه ۲۷۸-۲۷۵  
 ۲۰) سوره یوسف (۱۲) آیه ۱۱۱  
 ۲۱) سوره تحریم (۶۶) آیه ۱۱ و ۱۲